



رشد کیفی، تنزل کمی

شانزدهمین «جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد» در حالی برگزار می‌شود که تگناها و رکود اقتصادی و اجتماعی تأثیر خود را بر حوزه فرهنگ و نشر نیز بر جای گذاشته است. در چنین شرایطی که تأمین نیازهای اولیه اولویت پیدا می‌کند، اولین کالایی که از سبد خانوار حذف می‌شود، اقلام و کالاهای آموزشی و فرهنگی چون کتاب هستند. از همین رو شاهد رکود فعالیت نشر و محدود شدن عنوان‌ها و شمارگان کتاب‌ها در حوزه‌های متفاوت، از جمله حوزه علوم اجتماعی، در این دوره از جشنواره هستیم.

اما با وجود این نزول کمی عنوان‌ها و شمارگان، معدود کتاب‌هایی که در این حوزه به جشنواره رسیده‌اند، از نظر کیفی از ویژگی‌ها و برجستگی‌های چشمگیری برخوردار بوده‌اند که برخی از مهم‌ترین آن‌ها را چنین می‌توان برشمرد:

● فرهنگ‌ها و دایرةالمعارف‌های عمومی و موضوعی و تخصصی کودک و نوجوان در حوزه علوم اجتماعی، در این دوره از رشد قابل توجه و کیفیت قابل قبولی برخوردار بوده‌اند.

● آشنایی با مفاهیم حقوقی، به‌ویژه، حقوق شهروندی، موضوع برخی از کتاب‌های این دوره از جشنواره در حوزه علوم اجتماعی بود. با توجه به اهمیت موضوع حقوق و مسئولیت‌های شهروندی و نیز پیچیدگی‌ها و مسائل و مشکلات زندگی اجتماعی، این دسته از کتاب‌ها برای معلمان و دانش‌آموزان بسیار مفید و

کاربردی خواهد بود.

● طرح مهارت‌های اساسی زندگی اجتماعی در قالب‌های غیرمستقیم و داستانی برای کودکان، یکی از گرایش‌های مثبت و قابل تقدیر حوزه نشر علوم اجتماعی در این دوره است.

● تولید کتاب به شکل چندرسانه‌ای همراه با «DVD»، فیلم و معرفی سایت‌ها و اپلیکیشن‌های مناسب و مرتبط، یکی دیگر از گرایش‌های جدید در حوزه نشر کتاب‌های آموزشی علوم اجتماعی است که در این دوره از جشنواره، با وجود شمار اندک، روند آن آغاز شده است.

● تلاش‌های اولیه‌ای از بعضی ناشران و نویسندگان برای شرح مفاهیم، نظریه‌ها و مکاتب جامعه‌شناسی، متناسب با فضای فرهنگی جامعه آغاز شده است که ضمن تقدیر، جای تقویت و تلاش بیشتری دارد.

● تلاش برای تجسم تصویری و گرافیکی مفاهیم و موضوع‌های اجتماعی و نوعی «اطلاع‌نگاری» همراه با بهره‌مندی مناسب از تصویرسازی و رنگ در مجموعه‌ای از کتاب‌های حوزه علوم اجتماعی این دوره از جشنواره دیده می‌شود.

چشم‌انداز زیبا و خوش‌آب و رنگ شدن کتاب‌ها از یک‌سو و طرح مباحث در قالب طرح و اطلاع‌نگاری از سوی دیگر، افزایش علاقه و رغبت مخاطبان کودک و نوجوانان را به مطالعه، و توسعه فرهنگ خواندن را بیش از پیش دامن می‌زند و جای تقویت، توسعه و تقدیر دارد.

سنگ ماشینی و کتاب‌های مهارت‌های زندگی



مدتی است مسابقه‌ای بی‌امان در میان ناشران ایران برای انتشار کتاب‌هایی پیرامون مهارت‌های زندگی در گرفته است. بازنشر چنین کتاب‌هایی شبیه از تنور درآوردن نان سنگک ماشینی شده است؛ نه از آرد مناسب و حرارت پخت به‌اندازه بهره‌ای دارد و نه لذت کندن سنگ‌های چسبیده به نان با آن همراه است. این‌گونه کتاب‌ها هم همین‌طورند. ممکن است مزه‌ای داشته باشند، اما بسیاری از آن‌ها خالی از محتوای مؤثرند.

ناشران از رویکرد جدید وزارت آموزش و پرورش مطلع شده‌اند و حالا سیل کتاب‌های خارجی در این زمینه است که به سمت واحدهای تولید ناشران سرازیر شده و سیل دانشجویان زبان و متخصصان استفاده از مترجم «گوگل» به سمت ناشران و در نتیجه کتاب‌هایی بیرون می‌آیند که نه با فرهنگ بومی ما سازگارند و نه مطلب مفیدی در این زمینه در آن‌ها یافته می‌شود. ناشران محترمی هم هستند که حساب‌شده‌تر با این مقوله برخورد می‌کنند و رعایت اصول حرفه‌ای در آثارشان هویداست. اما در این مسابقه آن‌ها برنده‌ترند که هیچ اصلی جز تجارت کتاب در اندیشه ندارند.

در شش ماه گذشته بیش از ۲۰۰ کتاب در موضوع مهارت‌های زندگی خوانده و بررسی کرده‌ام. با قاطعیت می‌توانم بگویم، نزدیک به صد درصد آن‌ها ترجمه آثار خارجی‌اند. آن‌ها هم که حکم تألیف دارند، برگرفته از آثار خارجی‌اند.

بالا رفتن از نردبان رویکردهای وزارت آموزش و پرورش و سودجویی‌های تعدادی از ناشران فضای کار را چنان آلوده کرده است که دیگر صدای متخصصان این رشته به هیچ جا نمی‌رسد. ظاهراً نگاه به موضوع مهارت‌های زندگی هنوز تخصصی و جدی نشده است. تنها کسانی که این موضوع را جدی گرفته‌اند، سودجویان هستند و به نظر می‌رسد، تنها کسانی که مهارت‌های زندگی را خوب بلدند، همین ناشران سودجو هستند.

سوی دیگر ماجرا مربوط به فهم عمومی ما از مقوله مهارت‌های زندگی است. متأسفانه هر چندگاه واژه‌هایی باب می‌شوند و خلاق با این واژه‌ها زندگی می‌گذرانند. واژه‌ها مد می‌شوند و این مدرگرایی افراطی سرنوشت مبهم کودکان معصوم ما را هم هدف

قرار داده است.

در گذشته والدین علاقه داشتند بگویند بچه‌شان «باهوش» است. امروزه علاقه دارند بگویند فرزندشان «خلاق» است. چون واژه خلاق و خلاقیت امروزی‌تر و مُدتر است. مدتی هم «هوش هیجانی» (EQ) مد شده بود و امروزه هوش‌های چندگانه مد روز است. هوش‌های چندگانه بدون بستر مطالعاتی مناسب، ورد زبان معلمان، والدین و مربیان شده است. واضح نظریه هوش‌های چندگانه، هوارد گاردنر است. خودش عقیده دارد که هنوز این نظریه کامل نیست، ولی در ایران آن را کامل می‌دانند و بر اساس آن برنامه‌های گسترده‌ای اجرا می‌شود.

هنوز هیچ کتاب عالمانه و دانشگاهی در این زمینه در هیچ دانشگاهی تدریس نشده است، اما به برکت رقابت مدرسه‌های غیردولتی با هم، همه متخصص این رشته از دانش شده‌اند که هنوز به صورت شبه‌علم است. هنوز هم وقتی از مهارت‌های زندگی صحبت می‌شود، موارد ده‌گانه «سازمان بهداشت جهانی» یادآوری می‌شود. در حالی که امروزه این ده مورد برای توجه به آموزش مهارت‌های زندگی کافی نیست. امروزه مدل «۴H» در حال گسترش است که تمامی موارد مهارت‌های زندگی، مهارت‌های شهروندی، مهارت‌های مدیریتی و مهارت‌های سازمانی را در برمی‌گیرد.

شعار ۴H «آموزش از طریق عمل کردن» است. منظور از این شعار این عبارت است: «یادگرفتن چگونه انجام دادن از طریق به انجام رساندن.» اگر به این عبارت توجه کنیم، می‌بینیم بیشتر کتاب‌هایی که منتشر شده‌اند، حتی در کشورهای دیگر، به این موضوع توجه ندارند. بیشتر آن‌ها در واقع بچه‌ها را با دانش کلی مهارت‌های زندگی آشنا می‌کنند و آن‌ها را در زندگی کردن ماهر نمی‌سازند. این موضوع نگران‌کننده است.

پیشنهاد من این است که ستاد یا کمیته‌ای در «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» ایجاد شود و با دعوت از همه کسانی که در این زمینه کار علمی کرده‌اند و حتی دعوت از کارشناسان بین‌المللی، یک برنامه جامع آموزش مهارت‌های زندگی منطبق با زیست‌بوم و سبک زندگی ایرانی-اسلامی طراحی و تدوین کنند و از ناشران خواسته شود که در این چارچوب عمل کنند.



آزاد کردن انرژی پنهان و متراکم معلمان با تربیت معلمان مؤلف

همکاران اهل قلم مفید خواهد بود، زیرا تجلی آن‌ها را می‌توانیم در کتاب‌های تولید شده به توسط بخش خصوصی دریابیم. اگر هدف نهایی ابتکار و نوآوری و منحصر بودن کتاب به لحاظ محتوایی است، گریزی از این موضوع نخواهد بود. بر این نکته باید افزود هر کتابی که به قلم مؤلفان غیر معلم تنظیم می‌شود در نهایت شماری از مؤلفه‌ها را نخواهد داشت. بنابراین استفاده از بدنه عظیم آموزش و پرورش همانند حفر چاه‌هایی است که در کم‌عمقی به آب سرشار می‌رسند. یا حداقل کار این خواهد بود که ناشران فعال در بخش فرهنگ و هنر نویسندگان خود را برای طی دوره تربیت مؤلف معرفی کنند که با اطمینان باید گفت نتیجه دوره به نگرش مثبت و نگاه کیفی آن‌ها خواهد انجامید.

نکته دیگری که براساس تجربیات داوری قابل ذکر است موضوع ترجمه کتاب‌های هنری است. زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی هر جامعه در شکل‌گیری آثار هنری و تولیدات آموزشی آن‌ها نقش مستقیم دارد. به عنوان مثال کتاب‌های هنری فرهنگ غرب از این ویژگی برخوردارند. به‌طور نمونه تجربه کشور ما با تجربه غرب از اختراع پدیده چاپ یا ورود به دنیای مجازی و الکترونیک الزاماً خطی و برهم منطبق نیست. به عبارتی ترجمه مستقیم و بی‌افزود و کاست کتاب‌های هنری غربی نمی‌تواند با نیازها و مقتضیات مخاطب ایرانی پیوند طبیعی بخورد. این پیوند، پیوندی عاریتی و شکننده است. به همین دلیل ضروری است انتخاب متون ترجمه‌ها با داشتن ویژگی مهم «سازگاری با محیط هنری کشور» مورد توجه قرار گیرد. هر ترجمه‌ای الزاماً مفید و مؤثر نیست و حتی مؤلفان می‌توانند با گرفتن ایده و براساس نیازهای جامعه نسبت به تدوین و تهیه متون هنری اقدام کنند. این کار حداقل از معایب ترجمه مستقیم و غیرمفید خواهد کاست.

سخن پایانی این است که در این عرصه نیازمند تکاپو و تلاش دبیران و مدرسان هنرکشور هستیم. به دست دادن تولیدات و کتاب‌های هنری که به اصول و معیارهای جشنواره نزدیک باشند امری دشوار نیست؛ زیرا این انرژی فوق‌العاده برای بروز در این عرصه کاملاً موجود است و فقط به همراهی همکاران و ایجاد بستر به توسط مسئولان وابسته است.

شانزدهمین جشنواره کتاب‌های رشد در بخش فرهنگ و هنر دستاوردهای قابل اعتنایی دارد. هدف جشنواره، سامان‌دهی به منابع تربیتی و آموزشی است که دانش‌آموزان و معلمان به‌عنوان سرمایه‌ای ارزنده از کتاب‌های بخش خصوصی بهره لازم را در شکوفایی هر چه بهتر فرایند آموزش به‌کار بندند. اگر بخواهیم یک‌راست و بدون کلمه‌تراشی به سراغ اصل مطلب برویم، مأموریت جشنواره تحقق یک «مدل آرمانی» است که در کتاب‌های حوزه فرهنگ و هنر، ابتکار، خلاقیت و نوآوری متبلور می‌شود. این مدل آرمانی هر چند که دیرپای است اما دور از دسترس نیست. همواره و همیشه در کتاب‌ها شاهد رگه‌های ارزنده‌ای از مؤلفه‌های پیش‌گفته بوده‌ایم. در عین حال مسیر مطلوبی که باید طی شود باز پیش‌روی رهروان است.

ارزیابی کارشناسانه و نگاه تحلیلی به تولیدات کتاب‌های حوزه فرهنگ و هنر با رویکرد آموزشی این است که در این نوع از کتاب‌ها وجود نویسنده حرفه‌ای بسیار بسیار محدود دیده می‌شود. هر مؤلف یا فرهنگ‌گور یا هنرمند عزیزی بعد از دلدادگی به یک هنر یا پس از چند سال تدریس، به این فکر می‌افتد که یافته‌ها و دریافت‌های خود را در قالب کتابی قلم‌بند کند تا به همین‌سان دیگران نیز از تجربیات وی نیز بهره گرفته، در آن سهیم شوند. این نیت خوب و ارزنده گرچه گوشه‌ای از نیازهای کمک‌آموزشی هنر را در عرصه تعلیم و تربیت هنری پوشش می‌دهد اما بخش عمده آن را بی‌پاسخ می‌گذارد. همین نکته موجب می‌شود که در بررسی آثار و تولیدات و کتاب‌های هنری، هر ارزیاب منصفی نتواند به رضایت مورد نظر برسد و دلیل این امر نیز این است که کاستی‌های کتاب‌های تألیفی کم نیست.

برای رفع این کاستی مهم چه باید کرد؟ سال‌ها پیش در سازمان پژوهش دوره‌های تربیت مؤلف برگزار می‌شد. مخاطبان این دوره‌ها عموماً از همکاران فرهنگی باذوق و اهل قلم بودند. مدرسان تربیت‌معلم و حتی فضایی حوزه در آن شرکت می‌کردند. در آن دوره‌ها که ظرف دو تا سه هفته برگزار می‌شد؛ اصول کتاب‌نویسی با در نظر داشتن هدف‌های آموزشی و ویژگی‌های مخاطب به بحث گذاشته می‌شد. به نظر می‌رسد احیای این دوره‌ها برای



کتاب‌هایی شبیه روغن،

شامپو و برنج...

گزارش گونه‌ای از وضعیت کتاب‌های کمک‌درسی ریاضی



به تک تک کلمات آن باید فکر کرد، به محتوای آشکار و پنهانی که مطالعه آن به دانش آموز می‌دهد، باید توجه داشت، به فرهنگ آموزشی زیرپوستی آن باید حواسمان باشد؛ و خلاصه نوشتن چنین کتابی، از تدریس هم سخت‌تر است. مخاطب تدریس یک معلم، سی چهل نفر هستند؛ اما مخاطب هریک از این کتاب‌های کمک‌درسی، به صدها هزار نفر می‌رسند.

هنوز میان همه مهمه آدم‌ها در غرفه‌های کمک‌درسی هستیم. کتاب‌های مربوط به ریاضی دوره اول متوسطه بعضی از ناشران را برمی‌دارم و فقط روی جلد‌هایشان را می‌خوانم: «لقمه تیزهوشان ۱۰۰ نکته ریاضی هشتم هندسه»، «پرش معدل ریاضی ۹»، «کتاب کار ریاضی پایه ۷-۸م یک قدم تا ۲۰»، «با استفاده از نرم‌افزار واقعیت افزوده جواب تو مشتته دفتر ریاضی هشتم»، «آپ ریاضی ۷»، «کتاب‌های روبیک کتاب آموزش و تمرین ریاضی پایه نهم درس‌نامه کامل و جامع نمونه سؤالات بدون پاسخ حل مثال‌های مفهومی»، «ریاضی نهم آس»، «۴۰ قدم همراه با اپلیکیشن رایگان ۱۲۴ درس‌نامه آموزشی ۹۸۸ پرسش چهارگزینه‌ای ۱۲۰۰ دقیقه فیلم آموزشی»، «مجموعه کتاب‌های آیکو ویژه دانش‌آموزان برتر آموزش کامل + تست‌های مدارس برتر و سری IQ»، «تابستانه اولین کتاب با قابلیت دریافت کارنامه ویژه کار در تابستان هفتم به هشتم»، «کتاب کار و تمرین ریاضی ۸ درس‌نامه تمرین‌های فراوان و گوناگون پرسش‌های استاندارد چندگزینه‌ای و بیش از این‌ها برای چیرگی بر مفاهیم درسی»، «بانک سؤال هوش و استعداد تحلیلی نهم»، و ...

بگذارید هیچ چیز درباره محتوای کتاب‌هایی که واژگان روی جلد‌های آن‌ها این‌ها هستند، نگویم. حتی درباره فرهنگ یاددهی-یادگیری و عادت‌هایی که در آموزش این مملکت ایجاد کرده‌اند و می‌کنند نیز هیچ نمی‌گوییم. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

به راستی به کجا داریم می‌رویم؟

در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران هستیم. مانند هر سال رفته‌ام سری بزنم و ببینم چه کتاب‌هایی به تازگی چاپ شده‌اند. همچنین سراغی بگیرم از ناشران قدیمی که سال‌هاست در حوزه آموزش بنام و مطرح هستند، ولی همچنان در نمایشگاه‌های کتاب، در غرفه‌های ناشران عادی حضور دارند. این دو سه ناشر غرفه‌هایشان کم‌وبیش پرمراجعه است و همیشه حرفی برای گفتن داشته‌اند.

کمی از سالن ناشران عادی دور می‌شوم و می‌روم به سمت سالن‌های ناشران آموزشی. کم‌کم ازدحام جمعیت بیشتر و بیشتر می‌شود. گویی وارد دنیایی دیگر شده‌ام! صف‌های طولانی سفارش کتاب، صف‌های خرید و پرداخت صندوق، همه‌همه و هیاهو، پوسته‌های عجیب و غریب، واژه‌های متفاوت برای تبلیغ غرفه یا یک کتاب یا مجموعه کتابی خاص، و ... ظاهراً دنیای «کمک‌درسی» با دنیای نشر و کتاب بسیار تفاوت دارد.

شاید بگویند: خوب باید هم متفاوت باشد! کتابی که قرار است به‌صورت تخصصی به کمک آموزش کودکان و نوجوانان و جوانان بیاید، با یک کتاب عمومی برای مطالعه قطعاً تفاوت دارد، و ناشرش هم با یک ناشر عادی. ولی مگر ناشری که به‌صورت تخصصی برای احیای فرهنگ ایران و ایرانی، به چاپ کتاب‌های نفیس دست می‌زند، یا ناشری که به‌صورت تخصصی کتاب‌های تألیفی یا ترجمه‌ای فلسفه را منتشر می‌کند، یا ناشری که فقط در حوزه کودک کار می‌کند، کار تخصصی نمی‌کنند؟ خوب این‌ها هم دارند کار تخصصی می‌کنند و به‌رحال با ناشران عادی که تخصصی کار نمی‌کنند، تفاوت‌هایی دارند. ولی این همه تفاوت در حوزه کمک‌درسی، چرا؟ آنقدر که حتی واژه‌هایی که برای تبلیغ و معرفی به کار می‌روند، این قدر عجیب و دور از دنیای کتاب باشند؟ و شاید بیشتر نزدیک به دنیای کالاهای مصرفی، مانند روغن، شامپو و برنج؟! آری! کتاب کمک‌درسی با کتاب معمولی تفاوت دارد و اتفاقاً نوشتن آن خیلی خیلی دشوارتر از نوشتن یک کتاب عادی است.



بازی یک ضرورت است، نه وسیله‌ای برای اوقات فراغت

به گمان من بازی و سرگرمی برای هر انسانی، از آغاز سن تشخیص تا پایان عمر، یک ضرورت است و نه تنها وسیله‌ای برای پر کردن اوقات فراغت. در واقع انسان اوقات فراغت ندارد! و بازی و سرگرمی خود هدف است. از بازی‌های سنتی و معمولاً گروهی دوران کودکی (لی لی و گرگم به هوا و ...) تا بازی‌های رایانه‌ای، همه و همه باید هدفمند و سنجیده انتخاب و اجرا شوند. البته در این میان کتاب‌هایی هم با هدف سرگرم کردن خواننده اغلب کودک و نوجوان تألیف و ترجمه شده‌اند و بسیاری از نشریات و به خصوص نشریات ویژه‌ای این سنین هم صفحه‌ای ویژه این منظور دارند. به نظر من این قبیل سرگرمی‌ها و بازی‌های مکتوب نخست باید به قدر کافی جذاب باشند تا کودک و نوجوان را جذب و ارضا کنند و دیگر آنکه کودک یا نوجوان و والدین احساس کنند که پس از چالش با این سرگرمی‌ها چیزی آموخته‌اند و یا مهارتی در آن‌ها تقویت شده است. برای رسیدن به این هدف، توصیه‌ام این است که موارد زیر در نگارش یا انتخاب این گونه آثار برای ترجمه، مدنظر قرار گیرد:

۱. اگر در کتاب معمایی مطرح می‌کنید یا از خواننده می‌خواهید کاری را انجام بدهد، تصویری رسم کند، مسیری را مشخص کند و ... برای او وضعیت موجود و شرایط حل معما و محدودیت‌ها را بدون کمترین ابهام و به روشنی بیان کنید تا به راحتی بتواند مسئله (معما) را حل کند. به بهانه پرهیز از اطناب کلام، هیچ

نکته‌ای را ناگفته باقی نگذارید!

۲. تصویرگری کتاب‌های بازی و سرگرمی کاری بس تخصصی و حرفه‌ای است. برای این کار نباید عجله به خرج داد. تصاویر باید جذاب و زیبا باشند. علاوه بر آن نباید بی‌دقت رسم شده و باعث اشتباه مخاطب شوند. لازم است در تصاویر، حتماً اندازه‌ها و فواصل و تقاطع خطوط و نیز فرم اشیاء به دقت رسم شوند تا کمترین ابهامی ایجاد نشود. حساسیت این کار به مراتب از حساسیت و دقت لازم در ترسیم اشکال کتاب‌های هندسه بیشتر است!

۳. از ایده‌های تکراری و کهنه شده حتی الامکان پرهیز کنید. معماهایی همچون یافتن نقاط اختلاف دو شکل مشابه، خطای دید، رسم یک شکل بدون برداشتن قلم از کاغذ و ... در مجلات دهه سی و چهل شمسی هم دیده می‌شدند!

۴. با طرح معماها و سرگرمی‌های وقت‌گیر و خسته‌کننده، تنها جذابیت کتابتان را کم می‌کنید! شمردن مثلث‌های یک شکل پیچیده و تودرتو احساس خوبی به کودک یا نوجوان نمی‌دهد!

۵. در برگردان لغات و اصطلاحات از زبان‌های بیگانه به فارسی بسیار دقت کنید. گاهی یک لغت در زمینه‌های گوناگون کاربردی خود، معانی مختلفی دارد. باید با اصطلاحات تخصصی این بخش و معادل‌های فارسی آن‌ها به خوبی آشنا بود و بعد دست به ترجمه زد!



پنجره‌هایی به گلستان آسمانی

نگاهی به کتاب‌های قرآنی کودکان

نبرد پرندگان و فیل‌ها، تبدیل عصا به مار و ... حضور اثربخش حیوانات در داستان (دهد، پرنده‌های کوچک، شتر و ...) همیشه برای کودکان جذاب بوده‌اند. داستان‌های قرآن نقش برجسته‌ای در رشد اعتقادی، اخلاقی، تربیتی و ذهنی کودکان دارند.

این روزها که بحث «فلسفه برای کودکان» مورد اقبال عموم است، داستان‌های قرآن از این نظر نیز جالب‌اند و خیلی خوب می‌توانند به این حوزه کمک کنند. کودکان در این داستان‌ها با شخصیت‌هایی آشنا می‌شوند که با تکیه بر ایمان به خدای مهربان و با تلاش و پشتکار همراه با صبر، بحران‌های متعدد را پشت سر می‌گذارند و به پیروزی می‌رسند.

داستان‌های قرآنی را می‌توان به شکل کامل یا با انتخاب برخی از بخش‌های آن داستان بیان کرد. مثلاً از داستان حضرت ابراهیم(ع)، فقط ماجرای برخورد ایشان با بت‌پرستان و شکستن بت‌ها را بگوییم و به شکل غیرمستقیم به ارزش توحید اشاره کنیم.

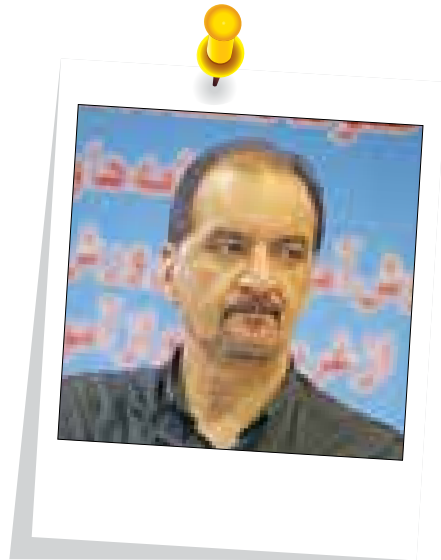
در داستان‌های قرآنی لازم است از منابع معتبر بهره بگیریم و از خیال‌پردازی‌های بیش از اندازه که ما را از هدف اصلی داستان دور می‌کند، بپرهیزیم.

کتاب‌هایی که تاکنون برای آشناسازی کودکان با قرآن کریم نوشته شده‌اند، به چند دسته تقسیم می‌شوند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: دانش‌نامه‌ها، داستان‌های قرآن، ضرب‌المثل‌های قرآن و آثاری که به موضوع خاصی از قرآن کریم اشاره دارند؛ مانند گیاهان قرآنی.

شکی نیست که پژوهش‌ها و نگارش‌های قرآنی تعطیل‌بردار نیستند و در هر برهه‌ای، نویسندگانی پیدا خواهند شد که با نگاهی نو، پنجره‌ای نو به سوی این گلستان آسمانی خواهند گشود. قرآن کریم کتابی است ابدی (برای همه نسل‌ها و عصرها) و جامع (دربردارنده همه بنیان‌های اعتقادی و اخلاقی). همین دو رکن مهم، زمینه‌ساز آفرینش آثار متنوع و متعددی شده‌اند و خواهند شد.

بین آثار قرآنی، داستان‌های قرآنی بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. کودکان نیز به این بخش علاقه بیشتری نشان می‌دهند. داستان‌های قرآنی به خاطر داشتن شخصیت‌های متنوع و گاه متضاد (پیامبران و حاکمان ظالم؛ خداپرستان و بت‌پرستان؛ و...) فضاهای متنوع (کوه، دریا، غار، چاه، شکم نهنگ و...) پدیده‌های متنوع (سیل، توفان، زلزله، آتش‌سوزی و...) ماجراهای شگفت‌انگیز و خارق‌العاده (شکافته شدن دریا،

اهمیت زبان و ادبیات در جذابیت منابع آموزشی



برآیند مجموع تلاش‌ها و اقدامات وزارت آموزش و پرورش و به تبع آن، تمامی واحدهای این نهاد عظیم، برآوردن نیازهای آموزشی و تربیتی فرزندان این مرز و بوم و گسترش سواد اطلاعاتی و به‌روز در میان آینده‌سازان ایران زمین است. پیچیدگی‌های فناوری‌های نوین و گسترش دسترسی به رسانه‌های دیداری و شنیداری، لزوم اتخاذ روش‌های تازه‌ای در امر آموزش و پرورش را دو چندان کرده است. در سال‌های اخیر شاهد تلاش گسترده دست‌اندرکاران امر آموزش در به‌کارگیری شیوه‌های نوین و ایجاد تحول اساسی در روش‌های آموزشی و تربیتی هستیم و گواه این امر تغییرات بنیادینی است که در ساختار مقاطع تحصیلی و تدوین منابع آموزشی و پرورشی پدید آمده است.

ناگفته پیداست که صرف تغییر مقاطع تحصیلی و منابع آموزشی و حرکت نظام آموزشی براساس این تغییرات و سرفصل‌ها نمی‌تواند تمام اهداف و آرمان‌های سیاست‌گذاران آموزشی را برآورده سازد. در کنار آموزش رسمی و کلاسی، منابع دیگری تدوین یا تأیید می‌شوند که برای قشر عظیم دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها و تمامی کسانی که به نوعی دست‌اندرکار امر تعلیم و تربیت هستند، آگاهی‌بخش و تأثیرگذار باشند. شاخص‌ترین مصداق این ادعا برگزاری جشنواره رشد کتاب‌های درسی است که قریب دو دهه سابقه دارد و نشان‌دهنده عزم جدی مسئولین ذیربط در شناسایی و معرفی آثار و تولیداتی است که با توجه به نیازهای روز مخاطبان و همسو با اهداف نظام آموزشی پدید می‌آیند.

این تولیدات عموماً به شیوه‌ای ضمنی و غیرمستقیم به عرصه تعلیم و تربیت پیوند می‌خورند. بی‌تردید یکی از سنج‌های تأیید اعتبار این آثار تطابق آن‌ها با ویژگی‌های زبانی، ادبی، نگارشی و ویرایشی زبان فارسی است؛ تا علاوه بر همسویی با جهت‌گیریهای اتخاذ شده از طرف نظام آموزشی، شیوه بیانی متناسب با شرایط مخاطب خود داشته و هنر و خلاقیت و ابتکار در روش‌های ارائه محتوا را به کار گرفته باشند. طبعاً چنین آثاری جذاب‌تر، سودمندتر و قابل پذیرش‌تر خواهند بود.

نتیجه آنکه در تولید چنین آثاری ضرورتاً ادبیات، زبان و هنر بیان تأثیری غیرقابل انکار در جلب مخاطب و نیل به اهداف والای آموزشی و تربیتی خواهد داشت. بنابراین بایسته است تولیدکنندگان و ناشران محترم، همسو با وزارت آموزش و پرورش، این موازین ادبی، هنری و بیانی را در آثار و محصولات فرهنگی خویش به‌کار گیرند.

ادبیات فارسی سند افتخار ملت بزرگ ما و چکیده تمام آمال و اندیشه‌های جامعه ایرانی در طول تاریخ پرفراز و فرود خویش است. آثار گران سنگ ادبی شاه‌کلید دستیابی به گنجینه‌های ارزشمند هویت ایرانی و اسلامی تلقی می‌شود و عامل پیوند میان مردم فارسی زبان در همه کشورها به شمار می‌آید.

شعر و نثر فارسی را نباید صرفاً از منظر هنر کلامی و بیانی نگریست، زیرا ادبیات محصول تجربه‌های زیسته بشری در تمام ابعاد زندگی است که رنگ هنری به خویش گرفته است تا پایدار و زیبا بماند. افسانه و تاریخ، علم و دین، سیاست و اجتماع، ناسوت و ملکوت، روایا و واقعیت و به‌طور عام، تمام آموزه‌ها و احساسات آدمی در ادبیات تجلی آشکاری دارند.

از دیدگاه هرمنوتیک، شاید اساسی‌ترین ویژگی اجتماعی ادبیات، پیام‌رسانی و آموزش جنبه‌های گوناگون زندگی به شیوه‌ای غیرمستقیم باشد. امروزه کارکردهای گوناگون ادبیات را میتوان در پاسخگویی به نیازهای متفاوت جامعه به روشنی دید؛ از جمله در ادبیات کودک، ادبیات نوجوان، ادبیات عامه‌پسند، ادبیات رسانه‌ای و در فرم‌های متفاوتی از قبیل قصه، داستان، فیلمنامه، وبلاگ و حتی ترانه و سرود؛ با این تفاوت که در دوران جدید مفاهیم و اهداف گوناگون بیشتر به صورت پوشیده و از طریق دلالت ضمنی به مخاطبان القا می‌گردد.

همین ویژگی ادبیات است که اهمیت توجه به آن را در اجتماع امروزی بسیار ضروری ساخته است. هجوم فراگیر افکار و اندیشه‌های متفاوت و متعارض و تأثیر شدید رسانه‌های مختلف، در بسیاری از موارد فرزندان و خانواده‌ها را درگیر بحران‌ها و تنش‌های عمیق و احتمالاً زبان‌بار نموده است. اگر نخواهیم از واژه «استحاله فرهنگی و اجتماعی» استفاده کنیم، لاقلاً می‌توانیم انواع تعارضات فرهنگی و اجتماعی را به روشنی در سطوح متفاوت اجتماعی و به اشکال مختلف ببینیم.

بی‌تردید اگر بخواهیم عوامل اتحاد و انسجام فرهنگی و اجتماعی در مباحث آموزشی و تربیتی را ریشه‌یابی کنیم، یکی از مهمترین زمینه‌های آن ادبیات ملی ماست. ادبیاتی که از لایه‌های مادرانه شروع می‌شود و با قصه و داستان و حماسه و افسانه و اسطوره تا نمایش و فیلمنامه ادامه می‌یابد. خلاصه آنکه ادبیات در تمام دوران زندگی و در تمامی اجزای زندگی اجتماعی به نحوی از انحاء حضوری پررنگ دارد.



بازار نشر در سیطره ترجمه‌های ضعیف

نوجوانان ما اضافه نمی‌کنند، بلکه باعث می‌شوند آنچه هم دارند، از آن‌ها گرفته شود. البته نمی‌توان منکر چاپ آثار ترجمه‌ای خوب هم شد، اما به نظرم سیطره در دست آثار بی‌کیفیت و ضعیف است.

مشکل وقتی حادث می‌شود که می‌بینیم، بعضی از دوستان نویسندگان با توجه به پسند ناشر و بازار رو به سوی نوشتن چنین آثاری آورده‌اند که گاهی حتی از آثار خارجی هم ضعیف‌ترند. به هر حال اگر فکری به حال تألیف شود و بازار از آثار خوب و ماندنی پر بشود، چنین آثار ضعیفی نمی‌توانند این‌گونه ذهن مخاطب و حتی نویسندگان را درگیر خودشان کنند. به نظرم باید یک آسیب‌شناسی جدی در این زمینه انجام شود تا ببینیم اشکال کار کجاست.

هرچند هدف اصلی امسال جشنواره رشد حمایت از آثار تألیفی بود، اما این کافی نیست. باید کارهای اساسی‌تری در این زمینه کرد. لازمه این کار هم آن است که با نظرخواهی از مؤلفان، منتقدان و کسانی که متصدی تولید کتاب کودک هستند، چاره‌ای اساسی اندیشید؛ آن‌هم با یک برنامه درست و درازمدت. امید که این اتفاق بیفتد و خوراک روح جامعه ما توسط مؤلفان داخلی تهیه شود.

داوری کتاب‌های رشد برای هر داور فرصت مناسبی است تا شمایی کلی از کتاب‌هایی که برای کودکان و نوجوانان چاپ می‌شوند، به دست بیاورد.

در داوری امسال آنچه برای من ناراحت‌کننده بود، کمبود کتاب‌های تألیفی در مقابل کتاب‌های ترجمه‌ای بود. من مخالف ترجمه نیستم که حتی آن را برای ادبیات کودک و نوجوان ایران ضروری می‌دانم؛ چرا که کتاب‌های خوب بخشی از میراث فرهنگی تمام ملت‌ها هستند. اما اگر در جامعه‌ای دیدید که تعداد کتاب‌های ترجمه‌ای بر کتاب‌های تألیفی می‌چربد، نشان از این دارد که آن سرزمین قادر به تولید فراورده‌های فرهنگی نیست و این خود ضعف بزرگی است. به اعتقاد من، روح هر سرزمینی با روح سرزمین دیگر فرق دارد و طبعاً هر سرزمینی خوراک فرهنگی خاص خودش را نیاز دارد. وقتی جامعه‌ای نتواند خوراک مناسب روح سرزمین خودش را تأمین کند، نشان از ضعف آن جامعه خصوصاً در بخش فرهنگی دارد.

متأسفانه این روزها بازار نشر پرشده است از کتاب‌های ترجمه‌ای. به خصوص آنچه به‌عنوان مجموعه یا سریال وارد بازار نشر می‌شود، گاهی چنان ضعیف است که حتی نمی‌شود نام ادبیات بر آن گذاشت. این‌ها نه تنها چیزی به ذهن کودک و



کتابها را ساده، کاربردی و کم حجم بنویسیم

- ضمن تشکر از تمامی اهل قلم، ناشران و کسانی که در حوزه آموزش به کودکان و دانش آموزان استثنایی فعالیت دارند مانند متخصصان، معلمان، مربیان، دانشجویان و والدین، از نکات قابل توجه در کتابهای معرفی شده از سوی ناشران برای داوری در حوزه استثنایی می توان به موارد زیر اشاره کرد:
- بیشترین عنوانهای کتابها در خصوص معرفی، روشهای مداخله ای، ارتباط و ... در مورد افراد دارای اختلال طیف اتیسم و مشکلات ویژه یادگیری، و کمترین توجه به کتابها در حوزه کم توان ذهنی و چند معلولیتی جسمی- حرکتی بود.
- کمترین توجه به دوره نوجوانی و آموزشهای این دوره برای تمامی گروههای کودکان و دانش آموزان استثنایی شده بود.
- کتابهای کاری که برای دانش آموزان استثنایی تألیف شده بودند، متأسفانه از هرگونه نگاه تخصصی و ویژه خالی بودند.
- نکاتی که توجه به آنها باعث رشد هرچه بهتر کتابهای این حوزه می شود، به شرح زیرند:
- از ترجمه و تألیف کتابهای تکراری بپرهیزند.
- مباحث کتابها با نیازهای آموزش و پرورش دانش آموزان استثنایی هم سویی بیشتری داشته باشند.
- کتاب را ساده و روان بنویسند و از ارائه حجم زیاد مطالب خودداری کنند.
- ساختار کتابهای تألیفی بر اساس پایه های نظری نیست و در واقع برش یا بخشی از موضوع است. بر همین اساس کتابهای مزبور برای خواننده مفید نیستند.
- به یکسان سازی واژه ها در کتابهای تألیفی توجه بیشتری شود.
- با توجه به تغییرات گسترده در طبقه بندی و نوع ارائه خدمات به دانش آموزان استثنایی، کتابهای جدیدی ترجمه شوند و از چاپ کتابهای ترجمه ای قدیمی جلوگیری شود.
- کتابهایی در خصوص آگاهی سازی جامعه در مورد شناخت هرچه بیشتر دانش آموزان استثنایی به زبان ساده تألیف شوند.
- در کتابهای تألیفی و ترجمه ای، بخش منابع به طور کامل مورد توجه قرار گیرد.
- قبل از تألیف و ترجمه کتابها از دست اندرکاران، والدین و جامعه دانشگاهی نیازسنجی به عمل آید.
- به کتابهای کاربردی توجه بیشتری شود.